

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید فطر

۲۱ فروردین ۱۴۰۲

سلام بر فطر، آمدن طلوعی مبارک. آغاز و پایان فرمان پروردگار. آنگاه که همگان را بر سفره‌ی رحمت خویش خواند تا راز جانی را فاش کند که عمرش در گرو خوردن و آشامیدن نیست بلکه به دنبال ثروتی است که در گنجینه‌ی جانش نهفته است. فطرتی که مهماندار هدیه‌ی پروردگارش است و اینک بر سفره‌ی فطر نشسته است. در دلش زبانی شیرین به سخن درآمده: یا رب سحرها و افطارها را به امید رحمت بی‌پایانت سپری نموده‌ام. زبان از طعام بسته‌ام تا بتوانم با آن زبان با بارگاه جبروتی‌ات درد و دل کنم. آیا پاک و ناپاک برابر است؟ پس به جانی که به امید فرمانت از ناپاکی‌ها پرهیز نموده ترحم فرما تا روزی را آغاز کند که فرشتگان فطر به او می‌نگرند. وای بر غائبین این سفره‌ی ملکوتی. آنانی که جان خویش را به بهایی اندک فروختند. مردگانی که سحرگان در بستر جانی به خواب رفتند که جز ظلمت هم‌نشینی نداشتند. روزهای عمرشان در اندیشه‌ی جانی می‌گذرد که پروردگار فرموده آنان به مانند جانورانی هستند که صبحگان به چراگاه می‌روند و شامگان به مکانی که برای مرور آنچه بلعیده‌اند به خانه باز می‌گردند. امروز نوید رحمت الهی به مانند بارانی به وقت به جان‌هایی می‌بارد که ساعت‌های عمر خود را در بندگی خالقی می‌گذرانند که آنان را به لقاء خود مژده داد.

امروز در دقیقه‌هایش نوید نجاتی را ذخیره نموده که آثارش روزه‌داری روزه‌داران ماه مبارک رمضان است. همانانی که از فرمان پروردگارش اطاعت نمودند و به مولایشان متوسل شدند: ای روزه‌دار واقعی پروردگار آنگاه که اعمال یک ماه بندگی اُمت خویش را در دستان ملکوتی خویش می‌گیری به دل‌های لرزانی که مولای خویش را به مدد می‌خوانند نظر رحمتی بفرما تا در نماز فطرتان بر آستان ملکوتیان آنگاه که زمین و آسمان به تمنا شما را می‌خوانند ما نیز با لب‌هایی که آرزومند نام با برکتتان است شما را بخوانیم به ندای:

اللهم عجل لولیک الفرج